

«تنها مورد استعمال مجاز اصطلاح آریایی درباره اقوامی است که در ازمنه باستانی خود، خویشترن را آریا می نامیدند. هندیان [12] و ایرانیان (پارسیان) [13] و مادها [14] و اسکیت ها [15] و آلان ها [16] و اقوام ایرانی زبان آسیای [17] میانه خود را آریا می خواندند»

(ا. م. دیاکونوف: «تاریخ ماد»، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی، 1380، ص 142، سطرهای 5 تا 9).

(اسناد در ص 481-482 حاشیه فصل دوم)

[12] عادتۀ در ودا و غیره.

[13] داریوش اول در کتیبه نقش رستم «a» می گوید که او «هخامنشی است و پارسی و فرزند پارسی و آریایی و از خاندان آریاییهاست».

[14] هردوت ، 62 ، VII: «در عهد باستان همه ایشان را آریایی می خواندند». سپس چنانکه رسم یونانیان بوده افسانه ای در منشأ این اصطلاح می آورد و مادیها را (mēdoi همان mādoi است منتهی به لهجه یونی) از زنی که قهرمان یکی از افسانه های یونانی بوده یعنی مدیه (medei) می داند.

[15] و. ای. آبایف، زبان و فرهنگ عامیانه آستی (آسی) ، I ، مسکو- لنینگراد، 1949 ص 156: - arya - «قبیله اسکیتی». در نام های خاص:

Ariantas < arya – vanta

Ariapeiths < arya – paiua

Ariaramnēs < arya – rāmna

(نامی که در خاندان هخامنشی وجود داشته و پارسیان نیز از ان اطلاع داشته اند)

Ariapharnes < arya – farna

و در اسم خاص متأخرتری:

Alexsarthos < alyexšarv < arya – xšarva

a la (1) ā n < alyan < aryana – A. A. Friedman, Ossetica, [16]

); صفحه 159 ، (Rocznik Orientalistyczny, III,3)

(و. ای. آبايف. تالیف مذکور صفحه 246)

[17]

اسامی خاص فراوان اقوام مذکور که با Arya (آریا- آریایی) تشکیل شده شاهد این مدعی است. مثلا در زبان پارتها (اسناد نسا نزدیک اشک آباد – عشق آباد) آریا برزن (aryabarzān) و آریانی یستک (Aryaniyastak) آمده است. (ای. م. دیاکونوف و م. م. دیاکونوف و و. آ. لیوشیتس. بایگانی پارتها در نسا VDI ، سال 1953 شماره 4 ص 116) و بسیاری اسامی دیگر.

source:

<http://www.azargoshnasp.net/history/Aryan/dyakonoffaryan.htm>